



احیای بناهای تاریخی با رویکرد ساختارزدایی، تقابلی در راستای تداوم

پرستو طباطبایی*^۱، نوید گلچین^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

parastoo.tabatabaee@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

navid.golchin@ut.ac.ir

چکیده

هر اثر تاریخی در آغاز، مصنوعی انسانی است که به منظور پاسخ‌گویی به یک نیاز ساخته شده و بدین سبب در ذات خود ارزش عملکردی داشته و به نحوی انسان را منتفع می‌کرده است. گذشت زمان شرایط متفاوتی را ایجاد و به صورت مختلف عملکرد اولیه‌ی آن را دست‌خوش تغییر می‌کند.

احصای مصنوع انسانی به منزله‌ی اثر تاریخی مستلزم گذشت زمان است. اثر تاریخی پس از پیدایش در گذر زمان، به منزله‌ی مصنوعی انسانی به زندگی انسان‌های معاصرش وارد می‌شود و با آنان در مقام مخاطبان و کاربران هم‌زیستی می‌کند.

باید ضمن پرداختن به بحث مرمت و حفاظت، توجه ویژه‌ای به باززنده‌سازی اثر و احیای آن داشت.

احیای حقیقی به دنبال تداوم حیات بناهای تاریخی در تمام وجوه و ابعاد است؛ اما پرسش این است که ماهیت تداوم حیات در بناهای تاریخی از چه جنسی باید باشد و چه ابزار و لوازمی می‌طلبد؟

روش تحقیق، مطالعه‌ی کتابخانه‌ای با استناد به مطالب مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر، همچنین مطالعه موردی از تجارب تجدید حیات بناها در کشورهای انگلستان، فرانسه و ایتالیا است.

این مطالعه نشان می‌دهد که در رویکرد نوین حفاظت، جامع‌نگری در توجه به ارزش‌ها و همچنین توجه به محیط تاریخی به عنوان یک ثروت اقتصادی و اجتماعی، و نیز یک منبع فرهنگی عظیم به عنوان اصول محوری مطرح‌اند.

و در نهایت با تکیه بر اساس سنت، می‌توان اصالت اثر را حفظ کرد و ارزش‌های روز و نیازهای معاصر را به گونه‌ای در احیای اثر گنجانید (روش ساختارزدایی) که ضامن تداوم حیات آن باشد.



واژه‌های کلیدی: احیاء، سنت، ساختارزدایی، مرمت، حفاظت، اصالت

مقدمه

مصنوع انسانی در مقام اثر تاریخی، نه ابزاری برای رفع نیاز بلکه پدیداری حامل پیام است، که بر واقعیت‌های گذشته زندگی بشر شهادت می‌دهد؛ و به سبب شرایط تکرار ناپذیر تحققش، یگانه و تجدیدنپذیر است. بنابراین، هر مصنوع انسانی به محض اینکه حاوی روایتی از حقیقت زندگی بشر شود، تغییر ماهیت می‌دهد و به اثر تاریخی تبدیل می‌شود. در این تعبیر روایتگری یا انتقال پیام انسانی ویژگی ماهوی اثر تاریخی و وجه تمایز آن از مصنوع انسانی است.

احیای مکان‌های تاریخی راهی شایسته و کارآمد برای حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی است که با کمک به تداوم حیات اثر در متن زندگی امروزی انسان، حفاظت از آن را تقویت و تضمین می‌کند.

ارزش اثر تاریخی، ظرفیت بروز یافته‌ی آن است؛ به تعبیری دیگر، "ارزش" بخشی از قابلیت اثر است که متأثر از موقعیت مکانی و زمانی — و به تبع آن مبتنی بر نیازها و ضرورت‌ها و دیدگاه‌های جامعه — معنا یابد.

صفت تاریخی یا فرهنگی — تاریخی که امروزه در مورد بناها، اماکن، محوطه‌ها و حتی اشیائی خاص به کار می‌رود، ناظر به قدمت آثاری است ساخته‌ی دست بشر که به لحاظ عمر و زمان پیدایش به دورانی تعلق دارند که اجمالاً "ماقبل مدرن" خوانده می‌شود. اهمیت و ارزش این‌گونه آثار به سبب آن است که زمینه‌های تولید و تولد آن‌ها تا دوران مدرن تا حد زیادی از میان رفته و بنابراین نوعاً تجدیدنپذیر محسوب می‌شوند.

شرایط گریزناپذیر حاکم، در بیشتر موارد، صیانت از اثر تاریخی را به مداخله در آن منوط می‌کند. شیوه‌های مداخله در اثر به واسطه‌ی گسترش دانش بشر و افزایش توجه او به امر صیانت از میراث فرهنگی، همواره در حال اصلاح و گسترش است.^۱ آن‌جا که گنجینه‌ی ارزشمند میراث فرهنگی، به سبب تجدید ناپذیری شرایط تحققش، خود یگانه تجدید ناپذیر است^۲ و به واسطه‌ی انبوه عوامل خطرناک و ویرانگر در محیط پیرامونش سخت در معرض تخریب و نابودی است، برای بقا نیازمند صیانتی هوشمندانه و همه جانبه است. توجه به حساسیت‌های موجود، ضرورت بازنگری در آثار به منظور پیش بینی شیوه‌های مناسب صیانت و به تبع

^۱ Bernard M. Feilden, Conservation of historic buildings, p.8-9.

^۲ Bernard M. Feilden & Jukka Jokilehto, Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites, p.16.